

رابطه بین خوش بینی، بدبینی و نگرش مذهبی با سازگاری زناشویی زوجین مبتلا به طلاق عاطفی

عذرا مطلق زاده^۱ و بهمن اکبری^{۲*}

۱ دپارتمان روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، مازندران، ایران.

۲ دانشیار گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران.

*نویسنده مسئول: ایمیل: Bakbari44@yahoo.com

چکیده

طلاق عاطفی نوعی نابهنجاری در نظام خانواده است که اگرچه به جدایی زوجین منجر نمی‌شود، اما زندگی آن‌ها به ازدواجی پوچ تبدیل شده است که فاقد عشق مصاحبت و دوستی است. این نوع از طلاق به عنوان انتخابی نفرت انگیز بین تسلیم و نفرت از خود و تسلط و نفرت از خود تجربه می‌شود که در آن هریک از زن و شوهر به دلیل احساس غمگینی و ناامیدی، دیگری را آزار می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین خوش بینی، بدبینی، نگرش مذهبی با سازگاری زناشویی زوجین مبتلا به طلاق عاطفی انجام گرفت. این مطالعه از نوع مطالعات توصیفی همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش کلیه زوجین مبتلا به طلاق عاطفی مراجعه کننده به کلینیک‌های مشاوره خانواده شهرستان رشت بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس ۲۰۰ نفر از زوجین مبتلا به طلاق عاطفی انتخاب شدند. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های سازگاری زناشویی، جهت‌گیری زندگی و نگرش مذهبی استفاده شده و داده‌های بدست آمده با استفاده از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی، رگرسیون چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان داد که همبستگی معناداری بین سازگاری اجتماعی با خوش‌بینی، بدبینی و نگرش مذهبی داشته و نگرش مذهبی، بدبینی و خوش‌بینی قادرند 48 درصد از واریانس سازگاری زناشویی زوجین مبتلا به طلاق عاطفی را پیش‌بینی نمایند. این یافته‌ها از نیاز به تمرکز بر عواملی همچون خوش بینی و بدبینی و نگرش مذهبی در رابطه با طلاق عاطفی زوجین حمایت می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: خوش بینی، بدبینی، نگرش مذهبی، سازگاری زناشویی، زوجین مبتلا به طلاق عاطفی

مقدمه

از مهم‌ترین عواملی که بر بقا و رشد خانواده اثر می‌گذارد، روابط سالم و تفاهم بین اعضا به خصوص زن و شوهر است (پارک و لید، ۲۰۱۶). خانواده به عنوان یک گروه واحد اجتماعی در برگیرنده بیشترین، عمیق‌ترین و اساسی‌ترین مناسبات انسانی است که براساس ازدواج و زندگی زناشویی شکل می‌گیرد. از این روی ازدواج را می‌توان ارتباطی دانست که دارای تمامیت بی‌نظیر و گسترده‌ای است؛ ارتباطی که دارای ابعاد زیستی عاطفی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است (لی، ۲۰۰۶). امروزه خانواده براساس اصول و هنجارهایی ویژه شکل می‌گیرد و حفظ و ارتقای روابط خانوادگی از ارزشی بسیار برخوردار است. به همین دلیل، در سال‌های اخیر کوشش‌های بسیاری صورت گرفته تا ثبات و کیفیت روابط زناشویی را با استفاده از مفاهیمی چون سازگاری زناشویی، موفقیت، رضایت، ثبات، خوشبختی، توافق و مفاهیمی از این دست ارزیابی کنند (ورمان، ۲۰۱۴). روابط زناشویی درگیر با طلاق عاطفی، زمینه‌ساز قوی برای ایجاد افسردگی، اضطراب و ناامیدی به خصوص در زنان به حساب آمده (بارنز، ۲۰۱۲) طلاق عاطفی به علت نبود تعاملات مثبت با همسر، عدم تأمین نیازهای عاطفی، نارضایتی جنسی، عدم جذابیت ظاهری، خیانت، مسائل مالی، بیماری‌های مزمن، بدرفتاری فیزیکی به وجود می‌آید و منجر به بروز علائم افسردگی، اضطراب، احساس گناه، ناامیدی، کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی، نگرش بدبینانه و مداوم درباره خود، همسر و آینده‌شان می‌گردد (لعل زاده، ۱۳۹۴). در تداوم زندگی زناشویی، عوامل متعددی دخیل هستند، یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار سازگاری زناشویی زوجین است (اسمیت، بارون و گرو، ۲۰۱۴). در حقیقت، سازگاری با موقعیت‌های متنوع در دورانی که عصر تنیدگی و تغییرات سریع اجتماعی است، کار آسانی نیست. سازگاری زناشویی عبارت است از هماهنگی و همدلی در وصول اهداف مشترک زندگی بین زن و شوهر که به احساس رضایت از زندگی با یکدیگر منجر می‌شود (زراچ، لویس بلز، میچلسون و سولومون، ۲۰۱۷). سازگاری بین زن و شوهر به آن‌ها این اجازه را می‌دهد تا از تعارضات اجتناب کنند و یا به شیوه‌ای مناسب آن‌ها را حل کنند، به طوری که هر دو از ازدواج و رابطه با یکدیگر احساس رضایت داشته باشند (دراپور و گاتمن، ۲۰۰۴). همچنین سازگاری زناشویی به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین ثبات و دوام رابطه زناشویی مطرح شده است و به کاهش طلاق عاطفی زوجین منجر می‌گردد (باستانی، گلزاری و روشنی، ۱۳۹۰).

یکی از عوامل مهمی که بر سازگاری زناشویی زوجین تأثیر گذار است، جهت‌گیری زندگی (خوش بینی و بدبینی) می‌باشد. افراد با جهت‌گیری زندگی مثبت (خوشبینی) وقایع روزانه را به صورت مثبت تجربه می‌نمایند و نتایج مثبتی را در مقایسه با افراد بدبین انتظار خواهند داشت (شیر و کارور، ۱۹۹۲). در واقع جهت‌گیری زندگی مثبت، تأثیر معناداری بر روی سلامت افراد دارد، به گونه‌ای که افرادی با خوشبینی بالاتر حمایت‌های اجتماعی بالاتری را جذب می‌نمایند، از راهبردهای مقابله‌ای انطباقی استفاده کرده و عادات بهداشتی متفاوتی در مقایسه با افراد بدبینی دارند که همواره در برابر موقعیت‌های استرس آور تسلیم گردیده و مسیر خود را تغییر می‌دهند (بریستی و همکاران، ۲۰۰۲). تحقیقات تجربی نیز نشان داده‌اند که برخورداری از خوشبینی و نداشتن جهت‌گیری بدبینانه نسبت به زندگی به افزایش سازگاری زناشویی زوجین کمک می‌نماید (بوهم و کابزانسکی، ۲۰۰۵). در همین راستا محققین بر این باورند که جهت‌گیری مثبت نسبت به زندگی (خوشبینی) به تحکیم و دوام روابط اجتماعی (به خصوص در زندگی زناشویی) کمک می‌نماید (ماکاتی، ۲۰۱۳)، به عنوان مثال، افراد خوشبین که جهت‌گیری مثبت نسبت به زندگی دارند، در روابط زناشویی خود نیز موفق‌ترند و کمتر به پایان یافتن رابطه خود می‌اندیشند (لاونر، جاستین، کارنی، بنجامین و توماس، ۲۰۱۳) در سوی مقابل افراد بدبین در زندگی مشترک خود کمتر از راهبردهای سازنده مقابله با استرس استفاده می‌نمایند، از قدرت حل تعارض پایین‌تری نیز در مقایسه با افراد خوشبین برخوردارند که این به نوبه خود میزان درک متقابل زناشویی را نیز پایین خواهد آورد (دشپاندی و ساردا، ۲۰۱۴). به عنوان مثال پژوهش استریواستاوا و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد زمانی که زوجین نسبت به زندگی نگرش مثبت و خوشبینانه دارند، سطوح رضایتمندی از زندگی‌شان در قیاس با زوجین بدبین بالاتر است، این پژوهشگران نشان دادند که سطوح رضایتمندی نه تنها در فرد خوشبین بلکه در همسر وی نیز ارتقاء یافته و با حمایت ادراک شده تقویت می‌گردد. در پژوهشی دیگر اسد، دونلان و کانگر (۲۰۰۷) نیز به سنجش رابطه بین خوشبینی و کیفیت زندگی پرداختند و نتایج نشان داد، خوشبینی پیش بین مناسبی برای رضایت

زناشویی در زوجین است. یافته‌های مربوط به زوجینی که قصد طلاق دارند در تأیید این یافته‌ها نشان می‌دهد که زوجین مذکور کمتر نسبت به زندگی آینده خود، حل شدن مشکلات زندگی‌شان خوش بین هستند و رضایت زناشویی آن‌ها کم بوده و سازگاری زناشویی در زوجین بالاتر است (دشپاندی و سادرا، ۲۰۱۴).

نگرش مذهبی نیز یکی از ارکان استحکام زندگی زناشویی بوده و سازگاری زناشویی در زوجینی که از نگرش مذهبی بالاتری برخوردار هستند بالاتر است. از آنجایی که دو نهاد مذهب و خانواده ارزش‌های مشابهی را مورد تأکید قرار می‌دهند و برای تقویت اجتماعی شده به هم وابسته هستند، پژوهشگران رابطه نزدیک بین آن دو را پیش بینی می‌کنند. این جهت گیری منجر به بیان عباراتی از این قبیل گردید که مذهب می‌تواند روابط زناشویی را تقویت و استحکام بخشد (کال و هیتون، ۱۹۹۷). نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی مؤثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزش‌ها است که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند (هانلر و گنچوز، ۲۰۰۵) و تأثیر معناداری بر سازگاری زوجین داشته باشد. این که افراد به ازدواج به منزله مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر را، چگونه بر مبنای مذهب تفسیر می‌نمایند، تأثیرپذیری روابط زناشویی از مذهب را نشان می‌دهد (ماهونی، ۲۰۰۵). در همین این راستا، پژوهش‌های بسیاری رابطه بین دینداری زوجین و روابط زناشویی را مورد بررسی قرار داده‌اند. سالیوان (۲۰۰۱) نشان داد افرادی که در سطح بالاتری از مذهبی بودن قرار دارند، نسبت به افراد دارای سطح مذهبی پایین‌تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی‌تر هستند. هانلر و گنچوز (۲۰۰۵) نیز در مطالعه‌ای که روی زوجین ترکیه‌ای انجام دادند، پس از کنترل متغیرهایی مانند سطح تحصیلات و مدت زمانی که از زندگی زناشویی آن‌ها می‌گذشت به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن تأثیر عمده‌ای بر کیفیت روابط زناشویی (طلاق عاطفی) دارد.

از آنجایی که نظام ارزشی در جامعه، به نهاد خانواده حساسیت خاصی داشته و نظام خانواده به عنوان بنیاد اساسی در جامعه امروز مطرح است، شناسایی عواملی که باعث می‌شود روابط زناشویی از بالاترین کیفیت برخوردار گردیده و پیوند زناشویی تقویت گردد، از ملزومات انجام پژوهش‌های حوزه خانواده به حساب می‌آید. لذا با در نظر داشتن مباحث مطروحه و تأثیرگذاری خوش بینی و بدبینی، نگرش مذهبی بر سازگاری زناشویی این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین خوش بینی و بدبینی، نگرش مذهبی با سازگاری زناشویی زوجین مبتلا به طلاق عاطفی انجام گرفت.

روش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش را کلیه زوجین مبتلا به طلاق عاطفی مراجعه کننده به کلینیک‌های مشاوره خانواده شهرستان رشت تشکیل داده و نمونه پژوهش نیز با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس، ۲۰۰ نفر انتخاب گردید. به منظور دستیابی به زوجین مبتلا به طلاق عاطفی در وهله اول، پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن در بین گروه هدف پخش شده و بعد از برآورد نمرات، آن دسته از زوجینی که نمرات بالاتری (نمرات ۱۲ به بالاتر) در مقیاس طلاق عاطفی گاتمن بدست آمد (طلاق عاطفی داشته‌اند) به عنوان نمونه در دسترس پژوهش انتخاب شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های نگرش مذهبی، طلاق عاطفی، سازگاری زناشویی و جهت گیری زندگی گردآوری شدند.

پرسشنامه نگرش مذهبی توسط خدایاری فرد و همکاران در سال ۱۳۸۵ طی اجرای طرحی در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران تهیه شده است. این پرسشنامه شامل ۴۰ سؤال و ۳ خرده مقیاس باور دینی، عواطف دینی و رفتار دینی را مورد سنجش قرار گرفته است. نمره‌گذاری بر اساس روش لیکرت با گزینه‌های همیشه (۵) الی هرگز (۰) تنظیم شده است. نمرات بالاتر نشان دهنده نگرش مذهبی بالاتر آزمودنی‌هاست. خدایاری فرد (۱۳۸۵) شاخص‌های پایایی و روایی پرسشنامه را در دو مطالعه ۹۶٪ و ۹۴٪ گزارش کرده‌اند. ضریب پایایی از روش بازآزمون ۹۱٪ و به روش دو نیمه کردن به روش اسپیرمن-براون برای کل پرسشنامه ۸۲٪ و به روش گاتمن ۸۰٪ به دست آمده است.

پرسشنامه طلاق عاطفی نیز توسط جان گاتمن (۱۹۹۵) در کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج تحت عنوان تنهایی آورده شده است. این مقیاس ۲۴ سؤال دارد که به صورت بلی (۱) و خیر (۰) نمره گذاری شده است. میزان طلاق عاطفی را می‌سنجد. در پژوهش لعل زاده و اصغری (۱۳۹۴) ضریب آلفا کرونباخ مقیاس مذکور ۰/۹۱ درصد گزارش گردیده است. پرسشنامه سازگاری زناشویی لاک والاس (LWMAT) نیز دارای ۱۵ سؤال می‌باشد و یکی از اولین مقیاس‌های کوتاه برای سنجش سازگاری زناشویی است. این آزمون با ایجاد تمایز واضح و آشکار بین همسرانی که به خوبی سازش یافته‌اند و آن‌هایی که در ازدواج خود دچار تنیدگی هستند، روایی بسیار بالایی نشان داده است. نمرات بالاتر نشان دهنده سازگاری زناشویی بالاتر آزمودنی‌هاست. این آزمون توسط مظاهری (۱۳۷۹) ترجمه و روی یک نمونه از زوج‌های ایرانی به کار برده شده است و اعتبار ۸۸ درصد را نشان داده است. پرسشنامه جهت‌گیری زندگی شیپر و کارور (۱۹۸۵) برای ارزیابی خوش بینی سرشتی تنظیم نموده‌اند. شامل ۶ ماده می‌باشد که ۳ ماده آن بیانگر خلق خوش بینانه و ۳ ماده بیانگر خلق بدبینانه بوده و پاسخ دهندگان در یک مقیاس ۵ درجه‌ای میزان موافقت یا عدم موافقت خود را با هر یک از جملات اعلام می‌کنند. این آزمون از لحاظ بیشتر ویژگی‌های روان سنجی مناسب بود و تنها انتقادی که به آن وارد شد این بود که عبارات خوش بینانه و بدبینانه آزمون همیشه از همسانی درونی بالایی برخوردار نبودند. پژوهش‌هایی مانند پژوهش فانتانی و جونز (۱۹۹۷)، شیپر و کارور (۱۹۸۵)، شیپر و همکاران (۱۹۹۴) نشان داده‌اند که خوش بینی و بدبینی سرشتی با طیف گسترده‌ای از سازه‌های مرتبط مانند عزت نفس، ناامیدی و روان آزردنده خوبی رابطه دارند که این مطلب بیانگر اعتبار همگرایی این پرسشنامه است. به منظور اطمینان از وجود رابطه‌ی خطی بین متغیرها از روش همبستگی گشتاوری پیرسون استفاده شد و جهت بررسی میزان پیش بینی متغیرهایی پیش بین بر متغیرهای ملاک از روش تحلیل رگرسیون چندگانه با روش گام به گام استفاده شد. داده‌ها با استفاده از بیست و سومین ویرایش نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

نتایج تحلیل داده‌ها در بخش توصیفی و جنسیت نشان دهنده آن بود که ۵۰ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه زن و ۵۰ درصد نیز مرد بودند. همچنین در بعد سنی ۱۹/۵ درصد از پاسخگویان زیر ۳۰ سال، ۴۴ درصد بین ۳۰ الی ۴۰ سال و ۳۶/۵ درصد نیز بالاتر از ۴۰ سال قرار داشتند و به لحاظ تحصیلات نیز ۲۰ درصد از پاسخگویان دیپلم، ۲۲/۵ درصد فوق دیپلم، ۳۴/۵ درصد لیسانس و ۲۳ درصد فوق لیسانس بودند. جدول ۱ وضعیت توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱: وضعیت توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار
سازگاری زناشویی	4	53	27.44	11.71
خوش بینی	.00	12	5.81	2.38
بدبینی	.00	12	5.95	2.85
باور دینی (نگرش مذهبی)	11	۶۰	31.85	11.87
رفتار دینی (نگرش مذهبی)	۹	۵۸	32.93	11.45
عواطف دینی (نگرش مذهبی)	۱۶	۴۹	33.44	8.01
نگرش مذهبی (نگرش مذهبی)	۴۳	۱۴۸	98.22	26.22

جدول ۱ شاخص‌های توصیفی حاصل از تحلیل داده‌ها را نشان می‌دهد، به منظور بررسی رابطه بین متغیرهایی مورد بررسی از همبستگی پیرسون استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	سازگاری زناشویی
خوش بینی	.554**
بدبینی	-.558**
باور دینی	.484**
رفتار دینی	.447**
عواطف دینی	.468**
نگرش مذهبی	.561**

خوش بینی و بدبینی و نگرش مذهبی به عنوان متغیرهای پیش بین و متغیر سازگاری زناشویی به عنوان ملاک وارد معادله شدند که نتایج این تحلیل در ۳ آمده است.

جدول ۳: ضرایب رگرسیون خوش بینی، بدبینی و نگرش مذهبی بر سازگاری زناشویی زوجین مبتلا به طلاق عاطفی

مدل	R ضریب	ضریب تعیین	ضریب تعیین استاندارد	درجه آزادی	میانگین مربعات	F ضریب	سطح معناداری	ضریب دوربین واتسون
همزمان	.694	.481	.473	3	4381.96	60.537	.000	1.924
مدل	ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		T ضریب	سطح معناداری	ضرایب هم خطی	
	B ضریب	برآورد خطا	بتا	ضریب تحمل			واریانس تورم	
	مقدار عرض از مبدا	13.349	3.745		3.564	.000		
	خوش بینی	1.293	.302	.263	4.280	.000	.699	1.431
	بدبینی	-1.201	.252	-.293	-4.771	.000	.703	1.423
	نگرش مذهبی	.140	.027	.313	5.223	.000	.739	1.354

همانطور که مدل رگرسیون همزمان نشان می‌دهد، ضریب تعیین مدل $0/481$ (ضریب استاندارد: $0/473$) گزارش گردیده است. به عبارت دیگر، آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که مدل رگرسیون توانسته است، $0/48$ درصد از واریانس سازگاری زناشویی زوجین مبتلا به طلاق عاطفی را پیش بینی نماید. سطح معنی‌داری آماره F کمتر از $0/05$ می‌باشد، و این بدان معنی است که تغییر نشان داده شده بوسیله مدل بر اثر بر اثر اتفاق نیست، در ادامه ضرایب بتای گزارش شده حاکی از آنند که بهترین پیش بین سازگاری زناشویی زوجین مبتلا به طلاق عاطفی به ترتیب عبارتند از نگرش مذهبی (بتا: $0/313$)، بدبینی (بتا: $0/293$) و خوش بینی (بتا: $0/263$).

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی نقش پیش بینی‌کنندگی خوش بینی، بدبینی و نگرش مذهبی در پیش بینی سازگاری زناشویی زوجین مبتلا به طلاق عاطفی نیز نتایج بدست آمده نشان داد که آزمون رگرسیون نشان داد که مدل رگرسیون توانسته است، $0/48$ درصد از واریانس سازگاری زناشویی زوجین مبتلا به طلاق عاطفی را پیش بینی نماید. همچنین نتایج بدست آمده از تحلیل داده‌ها نشان دهنده آن بود که بین خوش بینی با سازگاری زناشویی همبستگی معنادار و مثبتی وجود دارد. به عبارت دیگر با بالا رفتن خوش بینی در پاسخگویان بر میزان سازگاری زناشویی افزوده شده و بالعکس با کاهش خوش بینی از میزان سازگاری

زناشویی کاسته می‌شود. این نتیجه با یافته‌ها مطالعات تاجی، پیربلوطی و شریفی (۱۳۹۴)، عطاری، سرچشمه و هنرمند (۱۳۸۵) و باستانی و همکاران (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که سازگاری زناشویی، فرآیندی است که در طول زندگی زوجین به وجود می‌آید و لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت صفات شخصی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مرادده‌ای است. بنابراین، سازگاری زناشویی یک فرآیند تکاملی در میان زن و شوهر است که در زندگی، ایجاد، تقویت یا تضعیف می‌شود. زوجین سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند و از نوع و سطح روابطشان و کیفیت اوقات فراغتشان رضایت دارند و مدیریت خوبی در زمینه وقت و مسائل مالی خود اعمال می‌کنند (رودریگز، ۲۰۱۴). در این میان طلاق عاطفی نوعی ناهنجاری در نظام خانواده است که فاقد عشق مصاحبت و دوستی است (لعل زاده و همکاران، ۱۳۹۴). افراد با جهت‌گیری زندگی مثبت (خوشبینی) وقایع روزانه را بصورت مثبت تجربه می‌نمایند و نتایج مثبتی را در مقایسه با افراد بدبین انتظار خواهند داشت (شیر و کارور، ۱۹۹۲، ۱۹۸۷). در واقع جهت‌گیری زندگی مثبت، تأثیر معناداری بر روی سلامت افراد دارد، به گونه‌ای که افرادی با خوشبینی بالاتر حمایت‌های اجتماعی بالاتری را جذب می‌نمایند، از راهبردهای مقابله‌ای انطباقی استفاده کرده و عادات بهداشتی متفاوتی در مقایسه با افراد بدبینی دارند که همواره در برابر موقعیت‌های استرس‌آور تسلیم گردیده و مسیر خود را تغییر می‌دهند (بریستی و همکاران، ۲۰۰۲). تحقیقات تجربی نیز نشان داده‌اند که برخورداری از خوشبینی و نداشتن جهت‌گیری بدبینانه نسبت به زندگی به افزایش سازگاری زناشویی زوجین کمک می‌نماید (بوهم و کابزانسکی، ۲۰۱۲؛ کارور و همکاران، ۲۰۱۰؛ راسموسن و همکاران، ۲۰۰۹). به طور کلی محققین بر این باورند که جهت‌گیری مثبت نسبت به زندگی (خوشبینی) به تحکیم و دوام روابط اجتماعی به خصوص در زندگی زناشویی کمک می‌نماید (کارور و همکاران، ۲۰۱۰؛ اسد و همکاران، ۲۰۰۷؛ ماکاتی، ۲۰۱۳).

همچنین در این مطالعه نشان داده شد که بین بدبینی با سازگاری زناشویی همبستگی معنادار و معکوسی وجود دارد. به عبارت دیگر با بالا رفتن بدبینی در پاسخگویان از میزان سازگاری زناشویی کاسته شده و بالعکس با کاهش بدبینی بر میزان سازگاری زناشویی افزوده می‌شود. چنین یافته‌ای با نتایج تحقیقات تاجی و همکاران (۱۳۹۴)، عطاری و همکاران (۱۳۸۵) و باستانی و همکاران (۱۳۹۰) همسوست. در تبیین چنین یافته‌ای می‌بایست اشاره نمود که افراد خوشبین که جهت‌گیری مثبت نسبت به زندگی دارند، در روابط زناشویی خود نیز موفق‌ترند و کمتر به پایان یافتن رابطه خود می‌اندیشند (ایستویک و همکاران، ۲۰۰۸؛ لاونر و همکاران، ۲۰۱۳) در سوی مقابل افراد بدبین در زندگی مشترک خود کمتر از راهبردهای سازنده مقابله با استرس استفاده می‌نمایند، از قدرت حل تعارض پایین‌تری نیز در مقایسه با افراد خوشبین برخوردارند که این به نوبه خود میزان درک متقابل زناشویی را نیز پایین خواهد آورد (دشپاندی و ساردا، ۲۰۱۴؛ استریواستاوا و همکاران، ۲۰۰۶) به عنوان مثال پژوهش استریواستاوا و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد زمانی که زوجین نسبت به زندگی نگرش مثبت و خوشبینانه دارند، سطوح رضایتمندی از زندگی‌شان در قیاس با زوجین بدبین بالاتر است. نتایج این مطالعه نشان داد که سطوح رضایتمندی نه تنها در فرد خوشبین بلکه در همسر وی نیز ارتقاء یافته و با حمایت ادراک شده تقویت می‌گردد. در پژوهشی دیگر اسد و همکاران (۲۰۰۷) به سنجش رابطه بین خوشبینی و کیفیت زندگی پرداختند و نتایج نشان داد خوشبینی پیش بین مناسبی برای رضایت زناشویی در زوجین است. در پژوهشی دیگر، بوهم و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی ارتباط بین جهت‌گیری زندگی و کیفیت روابط عاشقانه پرداختند و دریافتند افراد خوشبین در مقایسه با افراد بدبین از کیفیت روابط زناشویی بهتری برخوردار هستند. در پژوهشی دیگر کارنلی و بلمن (۲۰۱۲) به این نتیجه رسیدند که افراد خوشبین رضایتمندی بالاتری در در روابط زناشویی خود گزارش داده‌اند و از راهبردهای مقابله‌ای انطباقی برای حل مشکلات زندگی استفاده می‌نمایند، آن‌ها کمتر بر روی تضادهای تمرکز می‌نمایند و در هنگام مشکلات همسر خود را پشتیبان خود می‌دانند. یافته‌های مربوط به زوجینی که قصد طلاق دارند در تأیید این یافته‌ها نشان می‌دهد که زوجین مذکور کمتر نسبت به زندگی آینده خود، حل شدن مشکلات زندگی‌شان خوش بین هستند و رضایت زناشویی آن‌ها کم بوده و سازگاری زناشویی در زوجین بالاتر است (دشپاندی و سادرا، ۲۰۱۴).

همچنین تحلیل داده‌ها نشان دهنده آن بود که بین سازگاری زناشویی با باور دینی، رفتار دینی، عواطف دینی و نگرش مذهبی همبستگی معنادار و مستقیمی وجود دارد. به عبارتی دیگر، با بالا رفتن نگرش مذهبی بر میزان سازگاری زناشویی افزوده می‌شود و بالعکس با پایین آمدن نگرش مذهبی از میزان سازگاری زناشویی پاسخگویان کاسته می‌شود. چنین یافته‌ای با نتایج تحقیقات خوشفر و ایلواری (۱۳۹۴)، خدایاری فرد و همکاران (۱۳۸۶)، سولیوان (۲۰۰۱)، هانلر و گنچوز (۲۰۰۵) و اورتینکال و ونستیوگن (۲۰۰۶) همسوست. در تبیین چنین یافته‌ای می‌بایست اشاره نمود که نگرش مذهبی می‌تواند در ارتباط زناشویی مؤثر باشد، زیرا مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه دهنده سامانه باورها و ارزش‌ها است که این ویژگی‌ها می‌توانند زندگی زناشویی را متأثر سازند (هانلر و گنچوز، ۲۰۰۵) و تأثیر معناداری بر سازگاری زوجین داشته باشد. این که افراد به ازدواج به منزله مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر را، چگونه بر مبنای مذهب تفسیر می‌نمایند، تأثیرپذیری روابط زناشویی از مذهب را نشان می‌دهد (ماهونی، ۲۰۰۵). در این راستا، پژوهش‌های بسیاری رابطه بین دینداری زوجین و روابط زناشویی را مورد بررسی قرار داده‌اند. سولیوان (۲۰۰۱) نشان داده است افرادی که در سطح بالاتری از مذهبی بودن قرار دارند، نسبت به افراد دارای سطح مذهبی پایین‌تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی‌تر هستند. هانلر و گنچوز (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای که روی زوجین تر ترکیه‌ای انجام دادند پس از کنترل متغیرهایی مانند سطح تحصیلات و مدت زمانی که از زندگی زناشویی آن‌ها می‌گذشت به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن تأثیر عمده‌ای بر کیفیت روابط زناشویی (طلاق عاطفی) دارد. کال و هیتون (۱۹۹۷) با انجام مطالعه‌ای بر روی ۴۵۷۸ زن و شوهر به این به این نتیجه رسیدند که از میان ابعاد مختلف دینداری، حضور در کلیسا بیشترین رابطه را با ثبات زناشویی دارد. مارگارت و همکاران (۱۹۹۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تجانس مذهبی با همسر، عبادت و حضور در کلیسا مهم‌ترین پیش‌بینی کننده ثبات و دوام زندگی زناشویی هستند. همچنین اورتینکال و ونستیوگن (۲۰۰۶) در مقایسه زوج‌هایی که فقط یک بار ازدواج کردند یا زوج‌هایی که چندین بار ازدواج کردند به این نتیجه رسیدند که مذهبی بودن همبستگی مثبتی با رضایت و ثبات زندگی زناشویی دارد. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. عدم کنترل متغیرهای تعدیلگر، همچون مدت ازدواج، ویژگی‌های شخصیتی، تعداد فرزندان از جمله محدودیت‌های این پژوهش است. استفاده از پرسشنامه خود گزارشی یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش بود. براساس این محدودیت‌ها پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آتی از تحقیقات طولی استفاده گردید تا بر پایایی و دقت پژوهش افزوده شود. همچنین از آنجاکه عدم مقایسه بین گروه‌های اجتماعی مختلف یکی دیگر از محدودیت‌های این پژوهش بوده است، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌هایی مشابه گروه‌های اجتماعی مختلف نیز مورد بررسی قرار گرفته تا بتوان ضمن مقایسه یافته‌ها در جامعه پژوهش بر اعتبار پژوهش افزود. با توجه به ارتباط بین بدبینی و سازگاری زناشویی پیشنهاد می‌گردد با برگزاری دوره‌های آموزشی اثربخشی آموزش الگوی خوش‌بینی به روش قصه‌گویی بر ارتقای خوش‌بینی میزان بدبینی گروه هدف کاهش یافته و از این طریق سازگاری زناشویی زوجین ارتقاء یابد.

References:

- Attari, Yusufeli the source, Abvlfsl artist, M. (۱۳۸۵), the simple and multiple relationships attitude Mzby, optimism, network attachment of married students University martyr Ahwaz Chamran, Journal of Education and Psychology, University of martyr Chamran, the third period, the thirteenth year, No. ۱۰: ۹۳-۱۱۰
- Assad, K. K., Donnellan, M. B., & Conger, R. D. (2007). Optimism: An enduring resource for romantic relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 93, 285-297.
- Bastani, Susan; Golzari, Mahmood; Roshani, Shohreh (۲۰۱۱). Emotional Consequences of Divorce and Exposure Strategies, *Research Family*, No. ۷(۲): ۲۴۱-۲۵۷

- Bohm, R., Schutz, A., Rentzsch, K., Korner, A., & Funke, F. (2010). Are we looking for positivity or similarity in a partner's outlook on life? Similarity predicts perceptions of social attractiveness and relationship quality. *Journal of Positive Psychology*, 5, 431-438.
- Brissette, I., Scheier, M. F., & Carver, C. S. (2002). The role of optimism in social network development, coping, and psychological adjustment during a life transition. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 102-111.
- Bernes R. (2012) Emotional divorce: when staying married is not the same as staying together? From: www.parentalliance.com
- Carver, C. S., Scheier, M. F., & Segerstrom, S. C. (2010). Optimism. *Clinical Psychology Review*, 30, 879-889.
- Carnelley KB, Janoff-Bulman R. Optimism about Love Relationships: General vs Specific Lessons from One's Personal Experiences. *J Soc Personal Relations* 2012;9:5-20
- Call, V. R. A., & Heaton, T. B. (1997). Religious influence on marital stability. *Journal for the Scientific Study of Religion*; 36, 382-392.
- Lalzadeh; Ensyah; Asghari; Mohammad; Sorkhi Hesar; Robabeh (۲۰۱۵). Investigating the role of early maladaptive schemas in the prediction of emotional divorce, *Journal of Clinical Psychology*, (Issue ۲): ۱۰۸-۱۰۱.
- Khodaifar Fard, Hamid (۲۰۰۶). Preparing and standardizing the scale of religiosity in the student community. University of Tehran. Faculty of Psychology and Educational Sciences.
- Taji, Maryam; Pirbalouti, Mohammad; Sharifi, Tayyuba (۲۰۵). Marital conflicts prediction based on marital conflict, adaptability, agreement, happiness and marital instability, *International Conference on New Findings in Psychology and Educational Sciences*.
- Khoofar, Gholamreza; Ilwari, Mahboubeh (۱۳۹۴). The Relationship Between Religion and Marital Adaptation, *Journal of Social Sciences*, Vol. ۲۵(۶۸): ۲۲۷-۱۹۳
- Khodayari Fard Mohammad, Shahabi Roohollah, Akbar Zardhkan Saeed (۲۰۰۷). Relationship Between Religious Attitude and Marital Satisfaction in Married Students, *Quarterly Journal of Research*, Vol. ۳(۱۰): ۶۲۰-۶۱۱.
- Boehm, J. K., & Kubzansky, L. D. (2012). The heart's content: The association between positive psychological well-being and cardiovascular health. *Psychological Bulletin*, 138, 655-691.
- Parke, R. D., & Ladd, G. W. (Eds.). (2016). *Family-peer relationships: Modes of linkage*. Routledge.
- Lee, J. (2006). Impact of family relationships on attitudes of the second generation in family business. *Family Business Review*, 19(3), 175-191.
- Gurman, A. S. (2014). *Handbook of family therapy*. Routledge.
- Zerach, G., Levi-Belz, Y., Michelson, M., & Solomon, Z. (2017). The Role of Marital Adjustment in Suicidal Ideation Among Former Prisoners of War and Their Wives: A Longitudinal Dyadic Study.
- Driver, J. L., & Gottman, J. M. (2004). Daily marital interactions and positive affect during marital conflict among newlywed couples. *Family Process*, 43, 301-314.
- Deshpande, A., Sarda, G (2014). Predicting Relationship Satisfaction from Dispositional Optimism amongst young adults in Mumbai city, *Indian Journal of Mental Health*; 1(1): 56-63.

- Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent child relationship. *Journal of Social Issues*, 61(4), 689-706.
- Machaty, A. (2013). *Dispositional Optimism and Marital Adjustment*, Theses and Dissertations--Family Sciences. Paper 7. http://uknowledge.uky.edu/hes_etds/7
- Margaret, G. Dudley, and Frederic, A. & Konsinski, J. (1990). Religiosity and marital satisfaction: A research note. *Review of Religiosity Research*. 32(1); 78-86.
- Lavner, Justin A, Karney, Benjamin R, & Bradbury, Thomas N. (2013). Newlyweds' optimistic forecasts of their marriage: For better or for worse? *Journal of family psychology*, 27(4), 531.
- Rasmussen, Heather N, Scheier, Michael F, & Greenhouse, Joel B. (2009). Optimism and physical health: A meta-analytic review. *Annals of behavioral medicine*, 37(3), 239-256.
- Rodrigues, T. F. (2014). Meaning in couples relationships. *Psychology in Russia*, 7(3), 126.
- Srivastava, S., McGonigal, K. M., Richards, J. M., Butler, E. A., & Gross, J. J. (2006). Optimism in close relationships: How seeing things in a positive light makes them so. *Journal of Personality and Social Psychology*, 91, 143-153.
- Hu" nler, O, S. & Genc, o"z, T, I. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*; 27(1), 123-136.
- Sullivan, T. (2001). Understanding the relationship between religiosity and marriage: an investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples. *Journal of Family Psychology*, 15, 610-628.
- Smith, T. W., Baron, C. E., & Grove, J. L. (2014). Personality, emotional adjustment, and cardiovascular risk: Marriage as a mechanism. *Journal of Personality*, 82(6), 502-514.
- Scheier, M. F., & Carver, C. S. (1992). Effects of optimism on psychological and physical well-being: The influence of generalized outcome expectancies. *Health Psychology*, 16, 201-228.
- Orathinkal, J. & Vansteewegen, A. (2006). Religiosity and Marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 28; 497-504.

Relationship between Optimism and Pessimism, Religious Attitude with Marital Adaptation of Couples Afflicted with Divorce

Azra Motlaghzadeh,^۱ Bahman Akbari,^۲ *

Abstract

An emotional divorce is a kind of abnormal family system that, although not conducive to couples' separation, but their lives have become an absurd marriage that lacks the love of friendship and friendship. This type of divorce is experienced as a disgusting choice between surrender and self-hatred and self-control and hatred; in which each husband and wife suffer another as a result of sadness and disappointment. The purpose of this study was to investigate the relationship between optimism, pessimism, religious attitude and marital adjustment of couples with emotional divorce. This study was a descriptive correlational study. The statistical population of the study was all couples with emotional divorce referring to the family counseling clinics of Rasht city. Two hundred couples with emotional divorce were selected using available sampling method. In order to collect data, marital adjustment questionnaires, life orientation and religious attitude were used. Data were analyzed using correlation coefficient, multiple regression tests. The results showed that there is a significant correlation between social adjustment with optimism, pessimism and religious attitude, and religious attitude, pessimism and optimism can predict 48% of the variance of marital adjustment of couples with emotional divorce. These findings support the need to focus on factors such as optimism and pessimism and religious attitudes about couples' emotional divorce.

Keywords: Optimism, Pessimism, Religious Attitude, Marital Adaptation, Couples Afflicted with Divorce

^۱.Department of Psychology, Islamic Azad University, Lahijan Branch, Lahijan, Mazandaran, Iran.

^۲. Associate Professor, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Rasht, Iran.*
Corresponding Author: Email: Bakbari44@yahoo.com